

مگر، کتیم به جنگلهای آمازون بروید و تبلیغ کنید؟!

ببینید کسانی را که از شهرهای آباد و زندگی راحت در اروپا بلند می‌شدند و هزاران کیلومتر آن طرفتر، در امریکای لاتین یا در آفریقا، در جنگلهای آمازون و در جنگلهای کنیا می‌رفتند؛ سالها می‌ماندند و مسیحیت را تبلیغ می‌کردند! [۱۵ مهر ۱۳۷۱]

امروز باید روحانیت و حوزه علمیه برای نظام جمهوری اسلامی یک پشتیبان باشد. پشتیبانی به معنای حقیقی کلمه؛ یعنی حوزه‌ی علمیه خوراک فکری این نظام را بدهد؛ آن را توجیه دینی بکند؛ تربیت و انسان‌سازی لازم را برای اداره‌ی این نظام با عظمت بکند

هرکس از دو ستان ما برای معالجه یا کار دیگر به خارج رفت، آمد گفت به فلان کشور مبلغ بفرستید، اما من به آنها می‌گویم کسی را نداریم؛ شما آدمی را معرفی کنید تا من بفرستم؛

از داخل شهرهای ایران می‌آیند و از ما مبلغ و امام جمعه می‌خواهند؛ اما نداریم؛ خیلی عجیب است!

والله این [در قم ماندن] را الهی نمی‌دانم! آقایان [از قم] نمی‌روند؛ می‌گویم چرا نمی‌روید، می‌گویند می‌خواهیم درس بخوانیم! برادران! من این روش را قبول ندارم؛ حالا شما هرچه می‌خواهید بگویید، بگویید؛ من والله این را الهی نمی‌دانم! چند نفرتان بیایید از مرجعیت و از ریاست و از مدرسی و از فضل و سواد در آن حد بگذرید؛

تبلیغ که اولیترین کار ماست، حوزه‌ی علمیه‌ی قم این کار را نمی‌کند!

من از شما سؤال می‌کنم که چرا نمی‌روید بمانید؟ این واقعاً سؤال جدی است؛ چرا نمی‌روید بمانید؟ بروید در یک ده بمانید؛ چه اشکالی دارد؟

البته خواهید گفت فضلالی ما درس و بحث دارند؛ بله، من هم می‌دانم؛ اما من می‌گویم که محض رضای خدا همان درس را تعطیل کنند و بیایند به مدت سه سال این کار را به عهده بگیرند. بنده بعد از رحلت امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) خیلی از این مسؤولیتهای مهم کشور را دو ساله، سه ساله - یعنی زمان دار - به این و آن محول کرده‌ام. شما درس خارج می‌گویید و پنجاه نفر، صد نفر - کمتر یا بیشتر - هم شاگرد دارید؛ خیلی خوب، محض رضای خدا به مدت سه سال این درس را تعطیل کنید. اگر این درس تعطیل بشود، آیا در عالم ضایعه‌ی پدید خواهد آمد؟!

آن جایی که اشکال هست، مربوط به این است که ما آدمش را نداریم؛ آدمش را که داشته باشیم، خوب خواهد شد.

۳۰ بهمن ۱۳۷۰

امام خامنه‌ای (دام‌تله)